



سہ حکامہ لالی از ابو تمام طائی

تصحیح و شرح سہ قصیدہ نایاب از
ابو تمام حبیب بن اوس طائی (متوفی ۲۳۱ ہجری)

مقدمہ

علامہ سید محمد رضا حسینی جلالی
استاد شیخ قیس بہجت العطار

تالیف

حبیب راہی تهرانی عذرا یزدی مهر



سه چکامه ولائی از ابوتّمّام طائی



تصحیح و شرح سه قصیده نایاب از

ابوتّمّام حبیب بن أوس الطّائی

متوفای ۲۳۱ هـ.

«با تصحیح و مقابله از روی یازده نسخه خطی کهن»

مقدمه

علامه سید محمدرضا حسینی جلالی

استاد شیخ قیس بهجت العطار

تألیف

عذرا یزدی مهر

حبیب راثی تهرانی

سرشناسه:	رأی تهرانی، حبیب، ۱۳۶۳ .
عنوان قراردادی:	دیوان . برگزیده . شرح .
عنوان و نام پدیدآور:	سه حکامه ولای از ابوتمام طائی: تصحیح و شرح سه قصیده نایاب از ابوتمام حبیب بن اوس الطائی ... / حبیب رأی تهرانی، عذرا یزدی مهر: مقدمه: سیدمحمدرضا حسینی جلالی، قیس بهجت العطار.
مشخصات نشر:	مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری:	۴۲۵ ص.
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۰۶-۰۵۰۰-۱.
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیبا.
عنوان دیگر:	تصحیح و شرح سه قصیده نایاب از ابوتمام حبیب بن اوس الطائی ...
موضوع:	ابوتمام، حبیب بن اوس، ۱۸۸ - ۲۳۱ ق. دیوان -- نقد و تفسیر.
موضوع:	شعر عربی -- قرن ۳ ق. -- تاریخ و نقد.
شناسه افزوده:	یزدی مهر، عذرا، ۱۳۵۰ .
شناسه افزوده:	حسینی جلالی، سیدمحمدرضا، ۱۳۲۴ - . مقدمه نویسی.
شناسه افزوده:	عطار، قیس بهجت، ۱۹۶۳ م. - . مقدمه نویسی.
شناسه افزوده:	ابوتمام، حبیب بن اوس، ۱۸۸ - ۲۳۱ ق. دیوان . برگزیده . شرح.
شناسه افزوده:	بنیاد پژوهشهای اسلامی.
رده‌بندی دیوینی:	۸۹۲/۷۱۳۴.
رده‌بندی کنگره:	PJA ۳۳۷۸.
شماره کتاب‌شناسی ملی:	۷۵۱۳۵۳۳.
وضعیت رکورد:	فیبا.



بنیاد پژوهش‌های اسلامی
آستان قدس رضوی

سه حکامه ولای از ابوتمام طائی تصحیح و شرح سه قصیده نایاب از ابوتمام حبیب بن اوس الطائی حبیب رأی تهرانی، عذرا یزدی مهر

نمونه خوان: علاء بصیری مهر

حروف نگار: علی برهانی

چاپ اول: ۱۳۹۹ / ۳۰۰ نسخه، وزیری / بها: ۷۰۰۰۰۰ ریال

چاپ و صحافی: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد: صندوق پستی ۳۶۶-۹۱۷۳۵

تلفن و دورنگار واحد فروش بنیاد پژوهشهای اسلامی: ۰۵۱-۳۲۲۳۰۸۰۳

www.islamic-rf.ir

info@islamic-rf.ir

حق چاپ محفوظ است

فهرست

.....	سخن ناشر	۵
.....	مقدمه علامه سید محمدرضا حسینی جلالی	۷
.....	مقدمه شیخ قیس بهجت العطار	۲۲
.....	ترجمه مقدمه علامه سید محمدرضا حسینی جلالی	۲۶
.....	ترجمه مقدمه شیخ قیس بهجت العطار	۴۶
.....	مقدمه مؤلفان	۵۲
.....	زندگی نامه ابوتّام	۵۵
.....	وفات ابوتّام	۵۸
.....	ابوتّام شاعری با مذهب شیعه امامیه	۶۰
.....	اصلاح يك انحراف	۷۴
.....	تحریف دیوان	۷۷
.....	زبان و شعر ابوتّام	۷۹
.....	آثار ابوتّام - دیوان	۸۸
.....	شرح دیوان	۹۲
.....	نسخه های خطی مورد استفاده	۹۷
.....	روش تصحیح	۱۰۶
.....	قدردانی و تشکر	۱۰۷
.....	رموز نسخه های خطی موجود	۱۰۹
.....	تصاویر نسخه های خطی دیوان ابوتّام	۱۱۳
.....	جدول نسخه بدل های قصیده غدیریّه	۱۷۳

جدول نسخه‌بدل‌های قصیده میمیه امامیه	۱۷۹
متن قصیده غدیریه	۱۸۳
شرح قصیده غدیریه	۱۸۹
متن قصیده میمیه امامیه	۲۵۷
شرح قصیده میمیه امامیه	۲۶۳
متن قصیده در مدح بنی هاشم و قدح بنی امیه	۳۲۹
شرح قصیده در مدح بنی هاشم و قدح بنی امیه	۳۳۳
نمایه (آیات، احادیث، اشعار، اعلام، مکان‌ها، کتاب‌ها)	۳۵۷
منابع و مآخذ	۳۹۱
حول هذا الكتاب	۴۱۱
Three Odes on Shi'ism By Abu-Tammam	3

سخن ناشر

عن عبدالسلام بن صالح الهروي قال: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرَنَا. فَقُلْتُ لَهُ: وَكَيْفَ يُحْيِي أَمْرَكُمْ؟ قَالَ: يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَيُعَلِّمُهَا النَّاسَ، فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا^۱.

حمد و سپاس بی حد خداوند بزرگ و دانا را سزد که غایت آفرینش انسان را معرفت و عبودیت ذات مقدس خود قرار داد و فرمود: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»^۲. درود بر پیامبران الهی به ویژه حضرت خاتم انبیا محمد مصطفی ﷺ که با تزکیه و تعلیم کتاب و حکمت، زمینه ساز تحقق این هدف متعالی شدند و سلام بر امامان معصوم علیهم السلام، به خصوص عالم آل محمد ﷺ، حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام که ستارگان پرفروغ آسمان معرفت و عبودیت اند و راهنمایان بشر در صراط مستقیم معرفت و بندگی، و رحمت خدا بر عالمان و پژوهشگرانی که در طول تاریخ با فراگیری و نشر علوم و معارف اسلامی به احیای امر امامت و ولایت پرداخته و مردم را با زیبایی های فرهنگ اصیل اهل بیت علیهم السلام آشنا ساخته اند.

بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی بر اساس نگاه ژرف تولیت فقید این آستان ملک پاسبان در سال ۱۳۶۳ به دستور معظم له تأسیس شد و با الهام از منویات رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی رحمه الله و دیدگاه های حکیمانه خلف صالح

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام ج ۱: ۳۰۷؛ از امام رضا علیه السلام شنیدم که می فرمود: خدا رحمت کند کسی که امر ما را زنده کند. عرض کردم: امر شما را چگونه زنده کند؟ فرمود: علوم ما را فراگیرد و به مردم بیاموزد، که اگر مردم زیبایی های کلام ما را بدانند از ما پیروی خواهند کرد.

۲. ذاریات: ۵۶، «و جن و انس را نیافریدم مگر برای آنکه مرا بپرستند».

ایشان، مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله العظمی خامنه ای مدظله العالی، و رهنمودهای تولیت معزز، با تشکیل گروه های پژوهشی و استفاده از نخبگان حوزه و دانشگاه، در راستای تأمین نیازهای فرهنگی جامعه و نظام اسلامی و نسل جوان و زائران بارگاه منور رضوی، به پژوهش و نشر علوم و معارف اسلامی نبوی و سیره اهل بیت عصمت و طهارت پرداخته و به فضل الهی به توفیقات ارزنده ای دست یافته است.

ابوتما حبيب بن اوس طائی، شاعر شیعه عصر عباسی، از بزرگ ترین شعرای عرب است که آوازه اش در طول قرون و اعصار به همه جا رسیده است و دیوان آبی تمام در کنار کتاب الحماسة، از نفیس ترین تراث ادبی جهان اسلام به شمار می رود. در این میان، ارزش ادبی و اعتقادی قصاید سه گانه وی در خصوص اهل بیت علیهم السلام بر کسی پوشیده نیست، چنان که دو قصیده رائیه غدیریه و میمیه امامیه وی مورد توجه نویسندگان کتاب های الغدیر، اعیان الشیعه و کتب کهن رجال شیعه قرار گرفته است.

آنچه در این کتاب ارائه شده، شرح و ترجمه سه قصیده رائیه غدیریه، میمیه امامیه و قصیده ای در مدح بنی هاشم و ذم بنی امیه است که بر اساس یازده نسخه خطی کهن تحقیق و تصحیح شده و به همراه گزیده ای از تصاویر نسخ خطی و جدول نسخه بدل های مربوط، برای استناد و استفاده بیشتر، تقدیم خوانندگان و محققان ارجمند گردیده است. در شرح قصاید یاد شده تلاش محققان بر آن بوده تا در کنار تبیین نکات ادبی، لغوی، آرایه های بلاغی، صنایع لفظی و ارتباط و معنای ابیات هریک از قصاید، به جنبه های روایی، تاریخی و عقیدتی آن هم پرداخته و بنا بر اقتضای هر بیت، توضیحاتی سودمند ذیل آن ارائه شود.

بنیاد پژوهش های اسلامی
آستان قدس رضوی

مقدمه علامه سيد محمدرضا حسيني جلالی



بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على سيد الأنبياء والمرسلين المبعوث رحمة للعالمين، محمد بن عبدالله، المصطفى الأمين، وعلى الأئمة المعصومين من آله، والشادات من ذريتهم الطيبين، وأتباعهم المؤمنين.

وبعد، فإن الله تعالى خلق الناس، وبعث لهم سفراء مبشرين ومنذرين، ليَهْتَدُوا إلى الحق في الدنيا ويُحْشَرُوا في الآخرة مع الأبرار في جنات النعيم. وكان عدد المبعوثين - حسب ما أثبتته العلماء الأعلام - «مائة ألف وأربعة وعشرين ألف نبيًا»^١.

وفي الحديث، عن أبي عبدالله عليه السلام: «سادة النبيين والمرسلين خمسة وهم ﴿أُولُوا الْعَرْشِ مِنَ الرُّسُلِ﴾^٢ وعليهم دارت الرّحى: نوح عليه السلام وإبراهيم عليه السلام وموسى عليه السلام وعيسى عليه السلام ومحمد عليه السلام»^٣.

وقد أنزل الله جلّ وعلا، على هؤلاء الأنبياء كُتُبًا هي: «التوراة» و«الإنجيل» و«الزبور» بلغاتهم، وخصّ محمدًا ﷺ بالقرآن الكريم باللغة العربية. وكانت جميع كتب أولئك الأنبياء معروفة لمحمد رسول الله ﷺ، وفي الحديث: «إن محمدًا ورث علم من كان قبله من الأنبياء والمرسلين»^٤. وكان رسول الله ﷺ خاتم الأنبياء، فقال الله تعالى لآدم النبي عليه السلام: «أنت - يا آدم - أول الأنبياء والرسل، وابنتك محمد خاتم الأنبياء والرسل»^٥.

١. الاعتقاد في دين الإمامية: ٢٢.

٢. قال تعالى في الآية ٣٥ من سورة الأحقاف: ﴿فَاضْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُوا الْعَرْشِ مِنَ الرُّسُلِ﴾.

٣. الكافي ١: ١٧٥ / ح ٣.

٤. الكافي ١: ٢٢٤ / ح ٢.

٥. سعد السمود: ٣٤.

وقال جلّ علاه: ﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾^١ وكان القرآنُ معجزةَ الرسول ﷺ، بل تحدّى به البشر فقال: ﴿قُلْ لَئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا﴾^٢.

القرآن الكريم و اللغة العربية

إن الله تعالى أرسل الرسول الأكرم ﷺ واختاره عربياً قد وُلِدَ في أفضل المُدُن في مكة المكرمة، وفي عشيرة شريفة ناشئة على دين إبراهيم الخليل. نابذين^٣ ما كان العرب عليه من الجاهلية الجَهلاء والضلالة العمياء، فكانت تُقيمُ القِسْطاس المستقيم بين الناس، وتضرب المثل الأعلى في علو الهمة، والبطولة، والإيثار، ونصرة الحق، والتعاون على البر والتقوى، والتمسك بمكارم الأخلاق، بينما كانت الأعراب قد أنكرتُها الأمم، وتخطّفتُهم النَّاسُ من حولهم، فكان ظهورُ الرسالة المحمدية أعظمَ حادثات في تاريخ العرب خاصّةً والبشر عامّةً.

ولم يكن للعرب قبل مبعث النبي ﷺ من العلم إلا ما توارثوه بالرواية مما كان شائعاً بينهم من الأخبار الجاهلية الأولى، وما قامت فيه الذاكرة مقامَ الكتب، واللسان مقامَ القلم، ولم يدوّن غير القرآن، يحفّزُهم حرصُهم على حفظ القرآن إلى كتابته في حياة النبي ﷺ بعده^٤.

ومن أهمّ ما أعلنه الله عن عظمة القرآن هو أنّه أنزله باللغة العربية، وهي لغة رسوله ﷺ وصاغ ذلك بأسماء «اللسان» و«القرآن» و«الحكم» في عدّة آيات:

١. الأحزاب: ٤٠.

٢. الإسراء: ٨٨.

٣. نقلنا من هنا إلى ما يلي من مقدمة كتاب السيرة النبوية لابن هشام، تحقيق إبراهيم الأبياري، مصطفى السقا، وعبدالحفيظ شلبي، مطبعة مصطفى البابي الحلبي وأولاده بمصر، ١٣٥٧هـ.

٤. إلى هنا ما نقلناه من مقدمة كتاب السيرة النبوية لابن هشام، كما أسلفنا.

فقال تعالى أنه «لسان عربي»:

١. ﴿وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ * نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ * عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ * بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ * وَإِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأَوَّلِينَ ١﴾.
٢. ﴿وَهَذَا كِتَابٌ مُصَدِّقٌ لِّسَانًا عَرَبِيًّا لِّنُنذِرَ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَبُشْرَى لِّلْمُحْسِنِينَ ٢﴾.
٣. ﴿وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُ بَشَرٌ لِّسَانُ الَّذِي يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ أَعْجَمِيٌّ وَهَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُبِينٌ ٣﴾.
- وقال تعالى: أنه «قُرْآنًا عَرَبِيًّا» في هذه الآيات:
٤. ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ٤﴾.
٥. ﴿وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا وَصَرَّفْنَا فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ أَوْ يُحْدِثُ لَهُمْ ذِكْرًا ٥﴾.
٦. ﴿وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ * قُرْآنًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِي عِوَجٍ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ٦﴾.
٧. ﴿تَنْزِيلٌ مِنَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * كِتَابٌ فُصِّلَتْ آيَاتُهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ٧﴾.
٨. ﴿وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِّتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا وَتُنذِرَ يَوْمَ الْجُمُعِ لِأَرْبَابٍ فِيهِ ٨﴾.
٩. ﴿حَمْدٌ * وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ * إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ٩﴾.
١٠. وسمّاه الله عز وجل: ﴿حُكْمًا عَرَبِيًّا﴾ في قوله:
١١. ﴿وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ حُكْمًا عَرَبِيًّا ١٠﴾.

١. الشعراء: ١٩٢-١٩٦.

٢. الأحقاف: ١٢.

٣. التحل: ١٠٣.

٤. يوسف: ٢.

٥. طه: ١١٣.

٦. الزمر: ٢٧-٢٨.

٧. فصلت: ٢-٣.

٨. التّورى: ٧.

٩. الزخرف: ١-٣.

١٠. الزّعد: ٣٧.

إِنَّ التَّأْكِيدَ مِنَ الْإِلَهِ جَلَّ وَعَلَا، عَلَى التَّحْدِيدِ لِلْقُرْآنِ بِهَذِهِ الصِّفَاتِ وَالْمَعَانِي،
وَالْإِضَافَةِ إِلَى «العَرَبِيَّةِ»، وَنَسْبَةِ كُلِّ ذَلِكَ إِلَى الرِّسَالَةِ الْمُحَمَّدِيَّةِ ﷺ الَّتِي هِيَ آخِرُ
الرِّسَالَاتِ، وَدَعْوَةِ الْمُسْلِمِينَ إِلَى التَّعَقُّلِ وَالْبَيَانِ وَالْإِحْسَانِ وَالتَّقْوَى وَالْعِلْمَ وَالْحُكْمَ،
إِنَّ جَمِيعَ هَذَا التَّحْدِيدِ يَدُلُّ عَلَى أَهْمِيَّةِ شُؤْنِ هَذِهِ الرِّسَالَةِ، وَالزَّامِ الْمُنْتَمِينَ إِلَى هَذَا
الدِّينِ وَالْمُلْتَزِمِينَ بِالْحِفَافِ عَلَى هَذِهِ الرِّسَالَةِ، وَقَدْ اخْتَصَّ ذَلِكَ التَّأْكِيدُ مَنْ أَمِنَ
بِالرِّسَالَةِ الْمُحَمَّدِيَّةِ ﷺ وَالتَّابِعِينَ لِحُدُودِهَا، وَلِهَذَا صَرَّحَ الْبَارِي جَلَّ وَعَلَا بِعَدَمِ قَابِلِيَّةِ
غَيْرِ الْعَرَبِ، الَّذِينَ لَمْ يُؤْمِنُوا، فَقَالَ: ﴿وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَى بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ * فَقَرَأَهُ عَلَيْهِمْ مَا كَانُوا بِهِ
مُؤْمِنِينَ * كَذَلِكَ سَلَكْنَاهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ﴾^١، وَقَالَ: ﴿وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْلَا
فُضِّلَتْ آيَاتُهُ أَأَعْجَمِيٌّ وَعَرَبِيٌّ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَشِفَاءٌ وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ وَهُوَ
عَلَيْهِمْ عَمًى...﴾^٢. وَبِهَذِهِ الْآيَاتِ دَلَّ الْبَارِي جَلَّ وَعَلَا، عَلَى أَنَّ الْإِيمَانَ هُوَ الْفَاصِلُ بَيْنَ
الْهُدَى وَلَوْ كَانَ الْمُؤْمِنُ أَعْجَمِيًّا، وَالْعَمَى لِمَنْ لَمْ يُؤْمِنْ وَلَوْ كَانَ عَرَبِيًّا.

وَلِذَا عَمَّ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ جَمِيعًا - عَرَبًا وَعَجَمًا - وَجُوبُ الْإِلْتِمَازِ بِأَحْكَامِ الْإِسْلَامِ،
وَأَوْجِبَ عَلَيْهِمُ الْقِيَامَ بِوَاجِبَاتِ الْمُسْلِمِينَ، كَالصَّلَاةِ بِقِرَاءَاتِهَا الْوَاجِبَةِ وَأَذْكَارِهَا وَأَدْعِيَّتِهَا
الْوَارِدَةِ حِينَهَا، وَبَعْضَ الْمُسْتَحَبَّاتِ كَالْأَذَانِ وَالْإِقَامَةِ، كُلُّ ذَلِكَ يَجِبُ أَنْ يُثْلَى بِاللُّغَةِ
الْعَرَبِيَّةِ. وَقَدْ التَزَمَ الْمُسْلِمُونَ كُلُّهُمْ بِذَلِكَ، بَلْ إِنَّ كَثِيرًا مِنْ غَيْرِ الْعَرَبِ سَعَوْا إِلَى تَعَلُّمِ اللُّغَةِ
الْعَرَبِيَّةِ وَأَصْدَرُوا الْعُلُومَ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ، حَتَّى أَلْفُوا الْكُتُبَ الدِّينِيَّةَ كَالْتَفَاسِيرِ وَالْحَدِيثِ
الشَّرِيفِ، وَحَتَّى الشُّعْرَ وَالْأَدَبَ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ وَهُمْ لَيْسُوا عَرَبًا.

وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ دَوَّابًا عَلَى تَعْلِيمِ مَنْ مَعَهُ مِنْ عَشِيرَتِهِ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، وَالصَّحَابَةِ
الَّذِينَ وَازَرُوهُ، مَا نَزَلَ عَلَيْهِ مِنَ الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ، فَكَانُوا يَتَنَاولُونَهُ وَيَنْشُرُونَهُ وَيُبَلِّغُونَهُ إِلَى الَّذِينَ
يَدْخُلُونَ فِي الْإِسْلَامِ، وَيُكْرِمُونَ الْقُرْآنَ، وَيَتَدَاوُلُونَ نَشْرَهُ، وَيَدْرُسُونَ مَعَانِيَهُ، وَيَعْمَلُونَ
بِنِصَائِحِهِ وَأَحْكَامِهِ، مُعْتَمِدِينَ عَلَى مَا أَلْهَمَهُمُ الرَّسُولُ الْأَكْرَمُ ﷺ.

وَقَدْ نَصَبَ الْأَثَمَةَ مِنْ أَهْلِهِ لِلْخِلَافَةِ مِنْ بَعْدِهِ، وَهُمْ الْإِمَامُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ؑ

١. الشُّعْرَاءُ: ١٩٨-٢٠٠.

٢. فَضَّلَتْ: ٤٤.

وأولاده الظاهرون، الأئمة الأحد عشر عليهم السلام، فأمر رسول الله ﷺ، باتباعهم ونصرتهم ولايتهم، ووصى الأمة بإطاعتهم وأن يحافظوا عليهم، مع القرآن الكريم، وسمّاهما بالثقلين، فقال ﷺ: «إني قد تركت فيكم ما إن تمسكتم به لن تضلوا بعدي: الثقلين، أحدهما أكبر من الآخر: كتاب الله حبل ممدود من السماء إلى الأرض، وعترتي أهل بيتي، ألا إنهما لن يفترقا حتى يردا عليّ الحوض، فإنظروا كيف تخلّفوني فيهما» وهذا الحديث متواتر معني إن لم يكن لفظاً،^١ وقد التزم بنصّه المؤمنون والصالحون فأطاعوا الرسول الأكرم ﷺ في أوامره وصاياه، فحفظوا القرآن الكريم وقّدسوه، وتابعوا العترة الشريفة أهل بيت الرسول ﷺ، وأطاعوهم وتابعوهم ودافعوا عنهم، وتحملوا الأذى من أعدائهم، وصبروا وحسبوا وشُددوا وقُتِلوا من أجلهم وفي سبيلهم.

وأما الأعراب الذين خالفوا الرسول في وصاياه، فلم يطيعوا ما أمرهم به في الثقلين، وأوجب ذلك عليهم، إذ ثَقُلَ عليهم، لثقل وجوب الطاعة فعاندوا وحسدوا، وكذلك لما سمعوا ما تلا الرسول ﷺ عليهم من قول الله تعالى ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾^٢ إذ صرفوا الكلام عن حده الذي حدّه الله تعالى فقالوا: «القراية هم العرب كلّها» فتركوا «العترة» الذين وصّى بهم الرسول ﷺ، بل اعتدوا عليهم بأنواع الأذى، كما عذبوا المسلمين من أصحابهم وأتباعهم، وذلك ما انتشر وشاع وذاع في التاريخ.

بل جعلوا «كتاب الله» وسيلة لِرَفْضِ «العترة» الذين أوصى الرسول ﷺ بعدم السّبق عليهم ولا التقصير عنهم، فخالفوه وقالوا: «حسبنا كتاب الله»، ثم خالفوا كتاب الله عزّ وجلّ وحزفوا معانيه، فخالفوا وصيّة رسول الله ﷺ في كليهما: القرآن والعترة.

الشعر وموقف النبي ﷺ والعترة عليهم السلام منه

الشعر هو النظم الموزون المقفى من الكلام، مأخوذ من «الشّعور» بمعنى الفطنة والمعرفة، ومن يُحسِنُ نظمَه يسمّى «الشاعر» وهم «الشعراء». وكان العرب يفتخرون

١. انظر طرقه ورواته في نفحات الأزهار: المجلدين الأول والثاني.

٢. الشورى: ٢٣.

بالشعر حسب أغراضهم ومناسباتهم وزغباتهم وأهوائهم، فمنهم من ينظم بالخير والفخر والفرح والتكريم، ومنهم من ينظم بالشراب والحرب والسوء والفحشاء والقتل والإبادة!

وكان الرسول الأكرم ﷺ والأئمة الأطهار من ذريته ﷺ يشجعون المسلمين والمؤمنين والعارفين للحق وذوي الشرف والكرامة والوجدان، فكانوا يعلنون أشعارهم في ما يلزم من المدح والتعظيم للإسلام والمسلمين.

وكان من الشعراء من طلبوا الخضوع للملوك والظلمة المستوليين على الحكم، فطمع الشعراء بأموالهم، فنشروا مدائحهم، بينما تركوا من استحق المدح والثناء من الأشراف والمؤمنين، بل كان من الشعراء من تجاوز على أهل الحق والطاهرين من المؤمنين، بل أهل البيت النبوي من المعصومين ﷺ، وكان أصحاب الأئمة وشعراء الشيعة في المقابل يدافعون عن الحق الصراح، ويتحملون من الخلفاء والأمراء والمعادنين للحق أنواع الأذى والإهانة، بل السجون والقتل والإبادة، ومنهم من أحمدوا ذكرهم وأهملت أشعارهم وأبادوا آثارهم، وبالأخص حذف ما نظموا في شأن أهل البيت النبوي الكريم ﷺ.

الشعراء بين الأمناء المخلصين للدين والرسول وأهل البيت وبين المعاندين والمخالفين

لقد وفق الله جل وعلا نلة من المؤمنين الذين أطاعوا الله عز وجل والرسول ﷺ وتبعوا أوامره وعظموا أهله وعترته، فأعلنوا بأشعارهم ما للعترة من قدسية وحرمة، وأكدوا ما لهم من مقام في قصائد شعرية عامرة.

ولم يختص هذا بالشعراء الشيعة، بل نظم الشعر العربي حتى بعض الشعراء من التصاري، والشعراء المنصفين ممن اطلعوا على أهل البيت وقديسهم وعظمتهم، وقد انتشر هذا الصوت الهادر منذ صدر الإسلام وعلى مدى الزمان حتى عصرنا الحاضر. وقد جمَعَ العلماء قديماً أسماء الشعراء الذين نظموا في أهل البيت ﷺ في قصائد

طوال أو في أثناء دواوينهم، ومنهم الحافظ المحدث، المحقق، الرَّحْلَة، الشيخ رشيد الدين محمد بن علي الشَّروى المازندراني الشهير بـ «ابن شهر آشوب» (٤٨٩-٥٨٨ هـ)؛ فَأَلْحَقَ بكتابه معالم العلماء باباً بعنوان «باب في بعض شعراء أهل البيت (عليه السلام)» وَزَعَهُمْ عَلَى أربع طبقات، هي: المُجاهرون (أو المجاهدون)، والمُقتصدون، والمُتَّقون، والمُتَكَلِّفون. ومن شاء فليرجع إلى النسخة التي حَقَّقْنَاهَا فِي سنة ١٤٣٣ هـ من معالم العلماء، غير أننا سنذكر هنا خصوص مَنْ مدحهم أحد الأئمة، وخصوص من اضطهدوا بسبب تشيعهم وأشعارهم في أهل البيت (عليه السلام):

١. السيد أبوهاشم إسماعيل بن محمد بن مزيد بن محمد بن وداع بن مفرغ الحميري: من أصحاب الصادق، ولقي الكاظم (عليه السلام)، وكان في بدء الأمر خارجياً ثم كيسانياً ثم إمامياً. قال له الإمام الصادق (عليه السلام): «سَمَنَّاكَ أَتَمَّكَ سَيِّدًا وَوَفَّقْتَ فِي ذَلِكَ، وَأَنْتَ سَيِّدُ الشُّعْرَاءِ»، وقال هو: أقول ما يفهمه الصغير والكبير ولا يحتاج إلى التفسير، ثم أنشأ يقول:

أَيَا رَبِّ إِنِّي لَمْ أُرِدْ بِالَّذِي بِهِ مَدَحْتُ عَلِيًّا غَيْرَ وَجْهِكَ فَارْحَمِ
٢. أبو الحسين علي بن حماد بن عبيد العبدى الأخباري البصري: يقال إنه لم يذكر بيتاً إلا في أهل البيت (عليه السلام). وعن بعض الأئمة (عليه السلام)، قال: «تعلّموا شعر العبدى فإنه على دين الله».

٣. أبو محمد، طلحة بن عبد الله بن عبيد الله بن محمد بن أبي عون المعروف بالعونى: قد نظّم أكثر المناقب، وسمّوه بالغلو.

٤. علي بن محمد بن عمارة البرقي: حرّقوا ديوانه وقطعوا لسانه.

٥. أبو القاسم الحسن بن هاني الأزدي المغربي المصري: ينسب إلى الغلو.

٦. أبو الحسين علي [بن عبد الله] بن وصيف الناشئ المتكلّم: بغدادى من باب الطاق حرّقوه بالنار.

٧. أبو هريرة العجلي: قال أبو نصر [= أبو بصير]: قال أبو عبد الله (عليه السلام): «مَنْ يُنْشِدُنَا شِعْرَ أَبِي هُرَيْرَةَ رَحِمَهُ اللَّهُ ... فَقَالَ: رَحِمَهُ اللَّهُ، ذَنْبٌ يَغْفِرُهُ اللَّهُ لَوْ لَا بُغْضُ عَلِيٍّ».

٨. ابن مُدَلَّل الحسيني، وكان أعمى نُفِيَ من الموصل.

٩. دعل بن علي الخزاعي، من أصحاب الكاظم والرضا عليه السلام. اغتيل في صلاة العتمة بالسوس.

١٠. الكمي بن زيد الأسدي، من أصحاب الباقر عليه السلام، روي أنه عليه السلام رفع يده وقال: «اللهم اغفر للكميت، اللهم اغفر للكميت».

١١. عبيد الله بن غالب الأسدي، من أصحاب الباقر عليه السلام قال له أبو عبد الله عليه السلام: «أرى ملكاً يلقي الشعر عليك» وإني لأعرف ذلك الملك».

١٢. كثير عزة، لما مات رفع جنازته الإمام الباقر عليه السلام وعرقه يجري وكان من أصحابه.

١٣. منصور بن الزبرقان النمري، وقد نبشوا قبره.

هؤلاء - وغيرهم من المؤمنين الذين أخلصوا لله والرسول والعترة، وأطاعوا الله ورسوله والعترة - هم الذين حفظوا القرآن، كتاب الله كما طلبه الرسول في حديث الثقلين، وتحملوا ما صَبَّه عليهم المخالفون للرسول صلى الله عليه وآله، من الأذى والإهانة والإبعاد، بل القتل.

وقد لاحظنا كيف أن الظلم لم يقتصر على قتل الشاعر وحبه ونفيه و...، بل امتد ليطال تراث الشاعر وشعره تضييعاً وحرقاً وتحريقاً، وهذه السيرة الملتوية كانت منذ القدم، فقد حاولوا إضاعة قصائد الصدر الأول من الشعراء التي تشيد بأهل البيت عليهم السلام وتذكر مناقبهم، مثل أشعار حسان بن ثابت، والتابعة الجعدي، وغيرهما التي تمدح أمير المؤمنين وتذكر مظلوميته، ومن العجب العجيب أن يُجمع مثل ديوان يزيد بن معاوية الذي قام به صلاح الدين المنجد ودافع في مقدمته عن يزيد، ويترك أمثال شعر مالك الأشتر الشاعر الفحل وأمثاله من الشعراء الشيعة في الصدر الأول.

وقد ذكر العلامة الشاعر البارع، الشيخ قيس العطار حفظه الله، الذي قدّم لهذا الكتاب، موارد من الشعر المنشور والمطبوع وفيه من مدح أهل البيت عليهم السلام مما فاضت به قريحة الشاعر، لكن يد الغدر وعين الجهل وحمق البغض، دَفَعَت صنائع الظلمة إلى حذف أبيات المدح والثناء لأهل البيت عليهم السلام في طبعات حديثة! وقد أثبت الشيخ حفظه الله، وجود الأبيات المحذوفة في الطباعة القديمة. وللشيخ جهدٌ مشكور في جمع

سلسلة دواوين الشعراء من أصحاب علي أمير المؤمنين عليه السلام في ١١ جزءاً، فجمعَ وحَقَّقَ وشرحَ تلك الدواوين، شكر الله سعيه وأجزل أجره وأطال عمره.

ومن فضل الله على الشيعة الكرام أنه قد نظم الكبار من شعرائهم الحكماء والفضلاء، الكثير من الدواوين والقصائد التي جمعت الحق والصدق والمعرفة، التي فيها ما يفي بما يملأ عقل القارئ ويشرح صدره، ويرشده إلى الحق، فكانت دواوينهم وقصائدهم تتحدى الظلام وتتجاوز قَهَر العصور. ولعل من الدواوين التي تحدت الظلام، وكتب الله لها النجاة من القهر الثقافي المتواصل، هذه الدواوين التي نذكرها على سبيل المثال لا الحصر:

١. ديوان مهيار الديلمي ثم البغدادي

وهو أبو الحسين مهيار بن مرزويه، الفارسي (المتوفى سنة ٤٢٨هـ) في الخامس من شهر جمادى الآخرة، وقد ذكره الشيخ ابن شهر آشوب قائلاً: إنه كان من غلمان الشريف الرضي عليه السلام. طُبعت ديوانه دار الكتب المصرية، القسم الأدبي، بعمل الأستاذ أحمد نسيم، ومشاركة الشاعر حافظ بك إبراهيم والأستاذ الأديب الشيخ أحمد زكي العدوي، الطبعة الأولى سنة ١٣٤٤هـ. في مطبعة دار الكتب بالقاهرة في أربعة مجلدات. ثم طُبِعَ الكتاب مصوراً من الأولى، المرحوم الأستاذ الكتبي النجفي في منشورات الشريف الرضي في قم - إيران، سنة ١٤١٣هـ.

٢. شرح ديوان ابن المقرَّب العيوني البحراني (٥٧٢-٦٣١هـ)

وهو الأمير جمال الدين، أبو عبد الله علي بن المقرَّب بن منصور العيوني البحراني. أعدَّ الديوان وحققه وعلّق عليه، عبد الخالق عبد الجليل الجبّتي، وعلي بن سعيد البيك، وعبد الغني بن أحمد العرفات، وطبع في المركز الثقافي للنشر والتوزيع في بيروت - لبنان، صيف سنة ١٤٢٤هـ. في ثلاثة مجلدات، وقد قوبل على أكثر من عشرين نسخة مخطوطة.

٣. ديوان صالح بن العرنديس الحلبي (القرن التاسع الهجري)

هو الشيخ صالح بن عبد الوهاب بن العرنديس الحلبي، من أعلام الشيعة، كان متضلعا من علمي الفقه والأصول، وكان من فحول الشعراء، فهو أوجد عصره ومفخرة مصره، أدبا وعلما ونسكا وذكاء وفتنة وفهما وتقوى، ونُسب إليه كتاب كشف اللآلي. وأرخ الأخصاء من المؤرخين وفاته سنة ٨٤٠ هـ. في الحلة، في محلة «جيران» بشارع «المفتي»، وقبره في زقاق في غرفة صغيرة عليها قبة طليت باللون الأخضر.

صنع الدكتور سعد الحداد، هذا الديوان في سلسلة دواوين الشعر الحلبي (٩) في طبعة ثالثة مزيدة ومنقحة سنة ١٤٤٠ هـ معتمدا على مخطوطتين؛ أحدهما للشيخ عبد الوهاب الطريحي النجفي الحلبي (قرن ١١ هـ). والأخرى من المجموعات المخطوطة والمصادر المطبوعة. وقد حققه وطبعه أيضا الدكتور عباس هاني الجزاخ الحلبي «شعر ابن العرنديس الحلبي» (ت نحو ٨٤٠ هـ). جمع وتحقيق ودراسة، بابل، ٢٠١١ م. ط ٢، النجف الأشرف ٢٠١٤ م.

٤. ديوان أبي تمام الطائي

وممن ثلوعب في ديوانه، ومسته يد التحريف والحذف والبت، أبوتام الطائي، ثالث الأثافي مع المتنبي والبحتري، لكن الله قيض من أبناء فارس من كشف الحقيقة، وتلافي ما فرط به الحاقدون من قبل، فمن هو أبوتام؟

هو أبوتام، حبيب بن أوس الطائي (مولده قرب سنة ١٩٠ هـ. - ووفاته في جمادى الأولى سنة ٢٣١ هـ). ذكره الشيخ ابن شهر آشوب رحمته الله في معالم العلماء، وذكره الشيخ أحمد بن الحسين بن عبد الله الواسطي البغدادى في كتاب الرجال فقال: «حبيب بن أوس، أبوتام الطائي: رأيته نسخة عتيقة لعلها كتبت في أيامه أو قريبا منها وفيها قصيدة يذكر فيها الأئمة عليهم السلام حتى انتهت إلى أبي جعفر الثاني عليه السلام، لأنه توفي في أيامه» نقلنا هذا النص في كتاب الرجال لابن الغضائري رحمته الله، في المستدركات الملحقه إلى النسخ المعتمدة.^١ و قد نقله التجاشي في رجاله، فقال: «ذكر أحمد بن الحسين [يعنى ابن الغضائري] رحمته الله أنه

رَأَى نُسخَةً...^١ إلى آخره. ونقله العلامة الحلي في خلاصة الأقوال، وأضاف قائلاً: «قَالَ الْجَاحِظُ فِي كِتَابِ الْحَيَوَانِ: حَدَّثَنِي أَبُو تَمَامٍ الطَّائِي وَكَانَ مِنْ رُؤَسَاءِ الرَّافِضَةِ».^٢
 إن كلمة الجاحظ: «وَكَانَ مِنْ رُؤَسَاءِ الرَّافِضَةِ!» تدلُّ - بوضوح وصراحة - على ما يُكِنُّهُ أعداء أهل البيت النبوي، وهي كما ذكر المحقق البارع الشاعر الماجد الشيخ قيس بهجت العطار: «شَيْشَنَةٌ نَعْرِفُهَا مِنْ أَخْزَمٍ»؛ حيث طالت بعض قصائد الشاعر أبي تمام الطائي، يذُ السُرقة فعدت على قصائد من روائعه، فَاغْتَالَهَا، فلاتجدها في طبعات ديوانه المنتشرة بِحُلُلٍ قَشِيَّةٍ في هذه الأزمنة، مع أَنَّ بعضَ الأشعار العَصماء موجودة في الطبعات القديمة من دواوينه، وبعض الأشعار قد حُذفت تمامًا من كل طبعات دواوينه!! مع أن القصائد كلها موجودة في نسخ مخطوطة من دواوين أبي تمام ونسخة منها مُؤَرَّخَةٌ بسنة ٣٨٠ هـ.

إِنَّ الْمُدَّعِينَ لِلْعُرْبَةِ (!) وإن قاموا بعد وفاة النبي الأكرم ﷺ بالتخطيط لإبادة وجود أهل البيت النبوي ﷺ حقًا وحرمةً وتكريماً وإطاعةً، خلافًا لما وصَّى لهم في حديث الثقلين، فادَّعَوْا أَنَّهُمْ قائمون بكلمة «حسبنا كتاب الله»؟! لكنَّ المؤمنين من المسلمين منذ وفاة النبي وحتَّى اليوم، قد آمنوا وأطاعوا وقاموا بتكريم أهل البيت النبوي ﷺ وتعظيمهم وإحياء ذكراهم، رغم كلِّ المتاعب والمصاعب.

وقد ذكرنا أَنَّ الذين أطاعوا الرسول وأهل البيت ﷺ لم يفرِّقوا بين العربية وغيرها من اللغات، بل تمكَّنوا من معرفة اللغة التي بَعَثَ اللهُ بِهَا الرُّسُولَ، وهي العربية التي جعل بها كتابه الكريم، إذ لم تُفَرِّقِ الأُمَّةُ الإسلامية بين البشر، فاستقبلوا من آمن وأسلم واعتبروهم إخوانًا، كما أراد الله تعالى في القرآن.

وفي هذا المضممار نرى أَنَّ الله تعالى اختار من الأُمَّةِ المؤمَّنة والمطيعه لله و الرسول ﷺ، مَنْ قَدَّسَ أَهْلَ الْبَيْتِ ﷺ، من العرب وغير العرب، في طول الزمان من ظهور الإسلام وحتى عصرنا الحاضر، ومن هذه الصفوة المؤمَّنة: الأستاذ الأديب الأخ حبيب رائي الطهراني والأستاذة الأدبية الأخت عذراء يزدي مهر، فقد وقَّعهما الله تعالى اسمه، فتوجَّها إلى

١. رجال التجاشي: ١٤١ / الرقم ٣٦٧.

٢. خلاصة الأقوال: ١٣٢ / الرقم ٣.

إزاحة غبار السنين عن قصائد الشاعر الباهر والفريد الممتاز بين الشعراء العرب ألا وهو: «أبوتمام حبيب بن أوس الطائي».

لقد سبق أن ذكرنا إهمال المخالفين لأوامر النبي الأكرم ﷺ، وسعيهم في إبادة تراث أبي تمام، الشاعر الشيعي، لكن الأستاذين الكريمين «رائي ويزدي مهر» اهتمّا بتراث الشاعر البار، فوقفوا على تقصير الناقلين عن ديوان هذا الشاعر بحذف ما يخص أهل البيت ﷺ، بل عدم ذكر قصيدتين من شعره إطلاقاً، فاستقصى الأستاذان حفظهما الله، النسخ المخطوطة في مراكز المخطوطات وتمّت عندهما ثلاث قصائد من شعر أبي تمام وهي:

١. القصيدة الغديرية الزائية القصماء، وهي التي نالتها أغراض اللثام من الخوارج عن الإيمان وأتباع الظلمة من أصحاب السلطان.

٢. القصيدة الميمية الإمامية، التي فيها ذكر الأئمة حتى الإمام محمد بن علي الجواد ﷺ.

٣. قصيدة في مدح بني هاشم وذم بني أمية.

ومن فضائل الأستاذين أنهما تتبعوا المصادر الجامعة لترجمة الشاعر البارع أبي تمام، ونحن نختصرها في ما يلي:

حياة الطائي

ولد أبوتمام في حوالي سنة ١٩٠ للهجرة في قرية «جاسم» حوالي مدينة دمشق، وإلى ما يقرب من سنة ١٩٥ هـ. خرج إلى دمشق أو إلى مصر، والتزم في مسجد جامع تلك البلدة بسقاية الماء، وعاش مدة خمس سنوات في مصر، وفي هذه المدة، وجد الفرصة لمطالعة الشعر العربي وقواعده، وكان في فترة صغره يعمل في معمل النسيج.^١

١. انظر: وفيات الأعيان ٢: ١٧.

صفات الطائي

كان أبوتّام أسمر اللون، طويل القامة، فصيح اللغة، جميل اللهجة فيه تَمْتَمَة يسيرة، ونقل بعض المحققين أنَّ أبَا تمام انتقل من دمشق إلى مدينة حمص واتّصل بالشاعر المعروف «ديك الجن» الشيعي المتوفى سنة ٢٣٥هـ. وقد يكون تَعَلَّمَ الشعر منه، واستفاد منه الكثير، ولعلّه مال إلى المذهب الإمامي من هذا المعين.^١

وكان أبوتّام سريع الإجابة، وقد ذكر الصولي أنّه إذا خاطبه أحد في الكلام، أجابه أبوتّام قبل أن يكمل الشخص كلامه، فإنَّ أبَا تمام كان عارفاً بمقصوده.^٢

وقد مدحه أعلام المؤرخين والمحققين، كابن المعتز العباسي في كتابه طبقات الشعراء،^٣ وأبو الفرج الإصفهاني في كتابه الأغاني،^٤ وقد احتوت أشعار أبي تمام على حوادث التاريخ المهمة، منها: وقعة غدير خم، ووقعة الحرّة، وفتح عمورية، وهجوم المعتصم على بابك الخرمي وأسره وقلته في بغداد، وقتل الأفسين، ومواقف وحوادث كثيرة أخرى.

وفاة أبي تمام

المعروف أنه توفي سنة ٢٣١هـ في الموصل.

نقل الصولي عن ابن أبي تمام، قال: إنّ أباه كان قائماً بمهمّة البريد في الموصل، وتوفي أبوتّام في جمادى الأولى من سنة ٢٣١هـ. وذكر البحتري، وهو من تلامذة أبي تمام: أنّ أبَا نهشل بن حميد الطوسي قد بنى قُبّة على قبر أبي تمام، قال ابن خلكان: ورأيت قبره بالموصل خارج باب الميدان، على حافة الخندق، والعامة تقول: «هذا قبر أبي تمام الشاعر».^٥

١. انظر: أبوتّام لعمر فروخ: ٢٢-٢٤.

٢. انظر: المثل السائر في أدب الكاتب والشاعر: ١٣-١٤.

٣. انظر: طبقات الشعراء: ٢٨٦.

٤. انظر: الأغاني: ١٦: ٣٨٨.

٥. وفيات الأعيان: ٢: ١٧.

ولما توفي أبوتنام في الموصل رثاه جمع من الشعراء، ومن أحسن المراثي، البيتان اللذان نظمهما الحسن بن وهب الحارثي، فقال:

فُجِعَ الْقَرِيضُ بِخَاتِمِ الشُّعْرَاءِ وَغَدِيرٌ رَوَّضَتْهَا «حَبِيبُ الطَّائِي»
مَاتَا مَعًا فَتَجَاوَزَا فِي حُفْرَةٍ وَكَذَاكَ كَانَا قَبْلُ فِي الْأَحْيَاءِ

ومثلهما بيتا محمد بن عبد الملك الزيات وهو حينئذ وزير:

نَبَأُ أَتَى مِنْ أَعْظَمِ الْأَنْبَاءِ لَمَّا أَلَمَ مُقْلَقُ الْأَخْشَاءِ
قَالُوا: حَبِيبٌ قَدْ تَوَيَّ، فَأَجَبْتُهُمْ: نَاشِدُكُمْ، لَا تَجْعَلُوهُ الطَّائِي!

تشيع أبي تمام الطائي

قد سبق ما نقلناه عن الرجال من الشيعة القدماء من تصريحهم بتشيعه، مثل ابن الغضائري والنجاشي، بل من المخالفين وهو الجاحظ، حيث عدّه «من رؤساء الرافضة»!

وقد جمع المؤلفان الفاضلان مجموعة من المصرّحين بتشيع أبي تمام وذكر أقوالهم في مؤلفاتهم، ومن نسبوا القصيدة الميمية الشهيرة إليه. منهم ابن شهر آشوب السّروي المازندراني المتوفى سنة ٥٨٨ هـ. في كتابه معالم العلماء، وكتاب مناقب آل أبي طالب (عليه السلام). ومنهم عبد الجليل القزويني الرازي (كان في سنة ٥٦٠ هـ). في كتابه بعض مثالب النواصب في نقض بعض فضائح الروافض المعروف بـ «النقض». ثم العلامة الجليّ (المتوفى سنة ٧٢٦ هـ). وابن داود الجليّ (المتوفى سنة ٧٤٠ هـ). في كتابي الرجال لهما.

ونقل عن السابقين الشيخ الحُرّ العاملي (المتوفى سنة ١١٠٣ هـ). في كتابه وسائل الشيعة وفي كتابه أمل الأمل، وكذلك العلامة المجلسي في بحار الأنوار، والشيخ آقابزرگ الطهراني المعاصر في الذريعة إلى تصانيف الشيعة، والعلامة الأمين العاملي في أعيان الشيعة وقد توسّع في ترجمة الشاعر الطائي، وكذا الباحث الأميني في كتابه الغدير، والسيد عبد الحسين شرف الدين في المراجعات. ومن المتأخرين، خليل مردم بك في كتاب شعراء الشام في القرن الثالث، وغيرهم.

ثم بحث الكاتبان ما صدر عن المعارضين من تحريف الدواوين التي بقيت للشاعر أبي تمام، كتحرير الكلمات وحذف الأبيات بل حذف القصائد برمتها. وأشار إلى ما استعمله أبو تمام من غريب الألفاظ في ما صنعه من الأشعار، حتى ألف الكتاب عنه مؤلفات ورسائل، مثل تأليف أبي بكر محمد بن يحيى الصولي (المتوفى سنة ٢٣٥هـ). كتاب أخبار أبي تمام. وتأليف أبي القاسم الحسن بن بشر بن يحيى الأمدي (المتوفى سنة ٣٧٠هـ). كتاب الموازنة ما بين أبي تمام والبحثري. وتأليف الشيخ يوسف البديعي الدمشقي (المتوفى سنة ١٠٧٣هـ). كتاب هبة الأيام فيما يتعلق بأبي تمام. فأوردا موارد اعتراف الأعلام واللغويين بقوة أبي تمام في اللغة والأدب والنظم، حتى عدوه من طبقة أصحاب المعلقات السبع. ثم ذكرا «أثر ديوان أبي تمام» في المطابع، واهتمام العلماء والفضلاء به، وكذلك «شروح الديوان» وعددها ١٣ شرحا. وعثونا همزيات أبي تمام وذكرنا ثلاثة كتب. وأخيرا جمعا ١١ نسخة مخطوطة تمكنا من جمعها والاعتماد عليها في تصحيح الأعمال، وختما العمل بعرض صور من النسخ المذكورة جميعا.

فشكرا لله على التوفيق لكتابة هذه الكلمة التي جمعت ما لزم حول هذا الشاعر الباهر، والدفاع عن ما خلد من الحق في دواوينه وأشعاره، وبقي عليّ أن أقدم الشكر والتقدير للأستاذين؛ الأستاذ حبيب رائي الطهراني والأستاذة عذراء يزدي مهرالدين قاما بإحياء موارد من أشعار شاعر بارع من أربع شعراء عصره، وهو حبيب بن أوس، أبو تمام الطائي (المتوفى سنة ٢٣١هـ)، وقدما عملا مريدا بالكمال، نصا ونظما ودقة وحسن إخراج وروعة شكل وزينة. فجزاهما الله تعالى عن عملهما خيرا وأجزلهما أجرا.

والحمد لله على أن وفقني لتقديم هذه «الكلمة» بفضلته وكرمه، وصلى الله على محمد وآل محمد.

كتب

السيد محمدرضا الحسيني الجلالى، كان الله له

في ١١ جمادى الآخرة، سنة ١٤٤١هـ

في مدينة قم المقدسة